

اقتصادسیاسی تخصیص بودجه بر اساس جایگاه پارلمانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی

ایران؛ بر اساس رویکرد تحلیل فرایند سلسله مراتبی (AHP)

فاطمه مردانی^۱

محمدطاهر احمدی شادمهری^۲

هادی قوامی^۳

علی چشمی^۴

چکیده

بودجه سالانه کشور، به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه برنامه‌ریزی کلان اقتصادی و در ذیل برنامه‌های توسعه پنج‌ساله شناخته می‌شود که می‌بایست در راستای تحقق اهداف اسناد بالادستی، تهیه، تصویب و اجرا گردد. با این حال، به‌واسطه طبیعت رقابت‌پذیر بودجه و تضاد منافع میان کنش‌گران نظام بودجه‌ریزی، این هماهنگی و تطابق وجود ندارد. رویکرد این مقاله، تمرکز بر انگیزه‌ها و نقش نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تشدید این انحراف در جریان فرایند تصویب بودجه سالانه کشور است. از این‌رو، پژوهش حاضر، ضمن پرداختن به ادبیات اقتصادسیاسی جایگاه‌های پارلمانی و انگیزه‌های کنش نمایندگان، پنج جایگاه مؤثر بر فرایند تصویب بودجه را شناسایی و با استفاده از روش تحلیل فرایند سلسله‌مراتبی (AHP) به تعیین ضریب تأثیر این جایگاه‌ها پرداخته است. سپس با تصریح یک مدل رگرسیونی بر اساس متغیرهای مربوط به جایگاه‌ها و ویژگی‌های نمایندگان و نیز ظرفیت اقتصادی استان مزبور برای دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱-۱۳۹۸) مشخص شد که به استثنای مؤلفه ارشدیت، جایگاه‌های پارلمانی، گرایش‌های حزبی و تعداد کرسی‌های نمایندگان استان تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی داشته است. بنابراین، در فضای سازمان‌دهی پارلمانی کشور، نظریه منافع کمیته و نظریه حزبی‌گرایی قابلیت انطباق دارد.

۱. دانشجوی دکتری گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. fa.mardani@um.ac.ir

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). shadmri@um.ac.ir

۳. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. qavami_h@um.ac.ir

۴. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. a.cheshmi@um.ac.ir

واژه‌های کلیدی: بودجه عمرانی، جایگاه‌های پارلمانی، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، سازمان‌دهی پارلمانی.

طبقه‌بندی JEL: H61, H54, D78.

مقدمه

فرآیند بودجه‌ریزی، ابزاری برای انتخاب میان ارزش‌های اجتماعی متفاوت و تخصیص منابع برای نیل به آن‌ها است. بنابراین، بودجه دولت فراتر از صورت دخل و خرج یک‌ساله، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم و مقوله‌های سازماندهی اقتصاد کشورها محسوب می‌شود که اهداف کمی و کیفی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اساسی برنامه‌های توسعه را پی گرفته و شرایط اجرای آن را تعیین و محقق می‌سازد. در واقع، قانون بودجه هر کشور، در سطحی خاص از سطوح برنامه‌ریزی آن کشور قرار دارد و در کنار سایر قوانین و برنامه‌های آن کشور عینیت می‌یابد. بودجه در صورتی می‌تواند دقیق، سنجیده، تحلیلی و نظام‌مند تهیه شود که مبتنی بر یک برنامه میان‌مدت^۱ و آن نیز بر پایه یک برنامه بلندمدت^۲ تنظیم شده باشد^۳. هرچند اصطکاک ذاتی میان چشم‌انداز کوتاه‌مدت بودجه‌ریزی با دیدگاه بلندمدت برنامه‌ریزی استراتژیک، تحقق این همگرایی را همواره با چالش مواجه می‌کند.

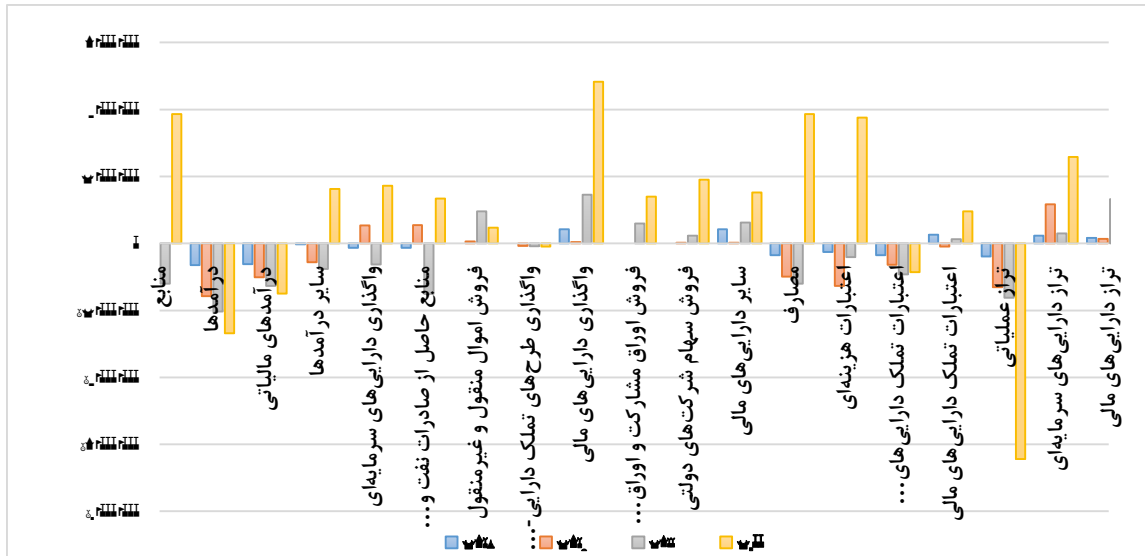
در حالی که بنا به تعریف قانون برنامه و بودجه مصوب اسفندماه ۱۳۵۱، نظام بودجه‌ریزی در ایران یک نظام «بودجه برنامه‌ای» است و باید در ارتباط با سطوح مختلف برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری شود. از این‌رو، بودجه دولت باید به‌عنوان بخشی از برنامه‌های میان‌مدت، در مطابقت‌های عملیاتی، اعتباری و زمانی با پیش‌بینی‌های برنامه توسعه تنظیم و اجرا شود. این در حالی است که تا پیش از برنامه ششم توسعه دستورالعمل مشخصی برای نحوه تنظیم لایحه بودجه در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله وجود ندارد؛ علاوه بر این که رعایت ارقام مندرج در جدول (۴) قانون برنامه ششم توسعه^۴ نیز تنها به سال ۱۳۹۶ - احتمالاً به‌دلیل هم‌زمانی تدوین سند برنامه و لایحه بودجه - محدود است و برای سال‌های بعد، سقف مطلوب برنامه در تنظیم لایحه بودجه لحاظ نشده است^۵ و انحراف ترازهای عملیاتی، تراز دارایی‌های سرمایه‌ای

۱. Programming

۲. Planning

۳. این رویکرد در نظریه‌های بودجه‌ریزی به نظریه (Planning Programming Budgeting System) PPBS شناخته می‌شود.
۴. بر اساس ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه به‌منظور انطباق بودجه‌های سنواتی با قانون برنامه ششم، انضباط مالی، اصلاح فرایند برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی و نظارت بر عملکرد هزینه‌های دولت «لویح بودجه سالانه با رعایت این قانون و با اعمال تعدیل متناسب با تحولات و شاخص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با رعایت قواعد مالی مندرج در جدول شماره (۴) این قانون، تهیه و تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود».
۵. بر اساس بند «۲» همین ماده «سقف اعتبارات هزینه‌ای بودجه عمومی دولت در سال‌های اجرای قانون برنامه، مطابق ارقام جدول شماره (۴) این قانون تعیین می‌شود. جابه‌جایی و افزایش منابع و مصارف در این جدول حداکثر تا پانزده درصد (۱۵٪) در قالب لویح بودجه سنواتی مجاز

و تراز دارایی‌های مالی در لایحه سال ۱۴۰۰، به‌عنوان آخرین سال اجرای برنامه، به ۱۱۹۴۹/۶- درصد، ۱۶۷۸/۱- درصد و ۳۸۷۳/۸ درصد می‌رسد.^۱ این انحرافات در شرایطی روی می‌دهد که نهاد دولت متولی تنظیم متن برنامه توسعه و متن لایحه بودجه است.



نمودار ۱. تفاضل ارقام لوايح بودجه از برنامه ششم توسعه (میلیارد ریال)

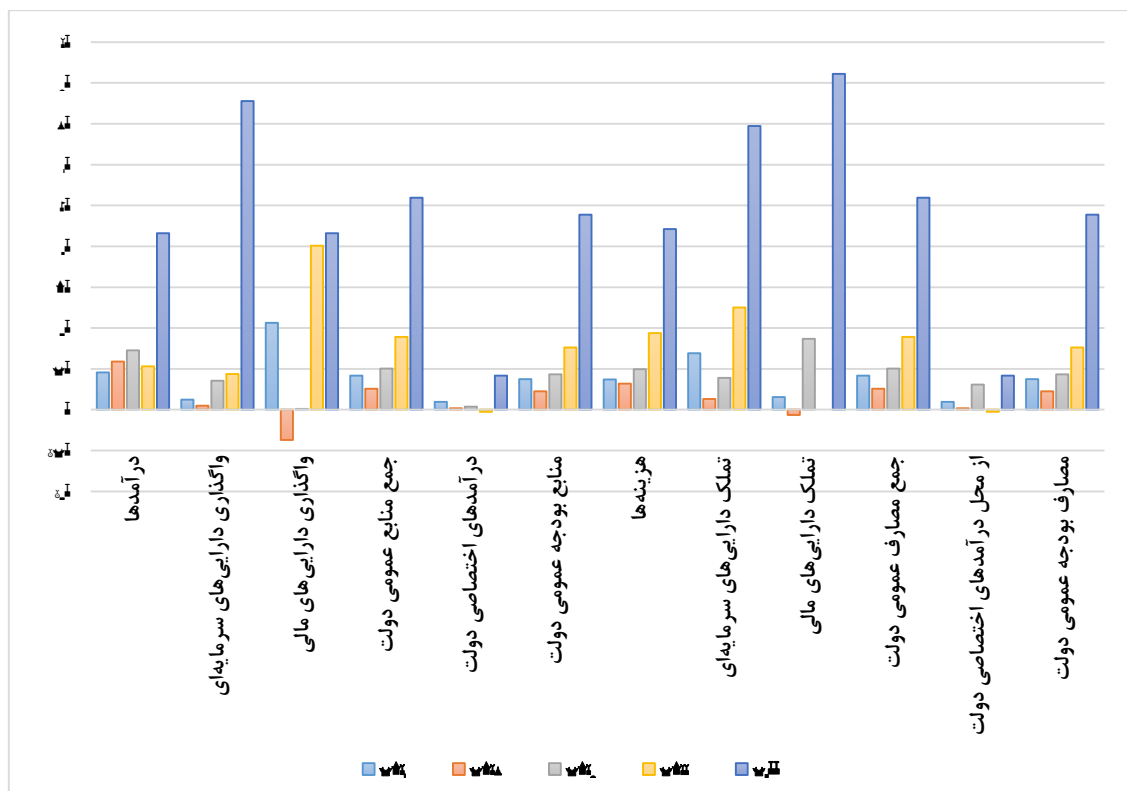
مأخذ: یافته‌های تحقیق

در کنار این، تقدیم لایحه به صحن علنی مجلس و آغاز فرایند تصویب قانون بودجه، مجدداً زمینه تغییر ارقام بودجه‌ای و انحراف بیشتر از برنامه توسعه را فراهم می‌کند. به‌طور مشخص، اگر چه لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ کاملاً منطبق با اهداف برنامه تنظیم شده است، اما در مرحله تصویب، تمامی ارقام تغییر کرده و نمایندگان مجلس بر اساس برخی ملاحظات، نگرش‌ها و دغدغه‌هایی متفاوت با حوزه اجرا، توانسته‌اند با افزودن بر سقف متمم‌ها و یا اصلاحیه‌های بودجه، سقف منابع و هزینه‌های دولت را افزایش دهند؛ به‌طوری که «واگذاری دارایی‌های مالی» بیش از ۲۱ درصد و عنوان «تملك دارایی‌های سرمایه‌ای» بیش از ۱۳ درصد افزایش را در طی فرایند تصویب بودجه سال ۱۳۹۶ تجربه کرده است. تشدید

است. انحراف ترازهای عملیاتی، تراز دارایی‌های سرمایه‌ای و تراز دارایی‌های مالی در سال ۱۴۰۰ به‌عنوان آخرین سال اجرای برنامه به ۱۱۹۴۹/۶- درصد، ۱۶۷۸/۱- درصد و ۳۸۷۳/۸ درصد می‌رسد.

۱. بر اساس بند «۲» ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه «سقف اعتبارات هزینه‌ای بودجه عمومی دولت در سال‌های اجرای قانون برنامه، مطابق ارقام جدول شماره (۴) این قانون تعیین می‌شود. جابه‌جایی و افزایش منابع و مصارف در این جدول حداکثر تا پانزده درصد (۱۵٪) در قالب لوايح بودجه سنواتی مجاز است.

این روند طی سال‌های بعد و اعمال تغییرات گسترده در لایحه بودجه در فرایند پارلمانی تصویب آن، بر دامنه انحراف از برنامه توسعه افزوده و در عمل کارکرد و انضباط آن را مختل کرده است.



نمودار ۲. درصد تغییرات بودجه مصوب نسبت به لایحه بودجه ۱۳۹۶-۱۴۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

آن‌چه این مقاله به آن می‌پردازد بررسی نقش نمایندگان مجلس در تغییر لایحه پیشنهادی دولت با اتکا به نظریه «اقتصادسیاسی»^۱ و «نظریه انتخاب عمومی»^۲ ناظر به تغییرات پیوست یک لایحه بودجه کل کشور در فرایند تصویب پارلمانی بودجه است. مدعای پژوهش حاضر این است که تصدی برخی جایگاه‌های ویژه در مجلس شورای اسلامی، قدرت چانه‌زنی و اعمال نفوذ بیشتری را برای نمایندگان مجلس فراهم می‌کند تا راحت‌تر بتوانند اهداف مدنظر خود را پیگیری کنند. این جایگاه‌ها شامل پنج موقعیت عضویت در هیأت ریسه مجلس، ریاست یکی از کمیسیون‌های تخصصی، عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و در نهایت، عضویت در کمیسیون تلفیق به تفکیک نمایندگی از طرف کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات یا نمایندگی سایر کمیسیون‌ها است که بر اساس تجمیع نظرات نخبگان و بر اساس روش تحلیل

1. Political Economics
2. Public Choice Theory

فرایند سلسله‌مراتبی^۱ (AHP) صورت می‌گیرد. در مرحله دوم، میزان اثرگذاری این متغیر در کنار مؤلفه‌هایی نظیر ارشدیت، گرایش‌های حزبی و تعداد کرسی‌های نمایندگی استان برای دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱-۱۳۹۸) در قالب یک مدل رگرسیونی ارائه شده است تا از این طریق، ارتباط میان افزایش بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی با موقعیت نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

به این ترتیب، این مقاله در ابتدا ضمن پرداختن به ادبیات اموریسیاسی توزیع و سازمان‌دهی پارلمانی، پیشینه تحقیق را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش روش‌شناسی، به بررسی نتایج حاصل از جمع‌آوری نظرات نخبگان در رابطه با جایگاه‌های مؤثر خواهد پرداخت و تحلیل نتایج حاصل از مدل رگرسیون ارائه می‌شود. بخش نهایی، به نتیجه‌گیری اختصاص خواهد داشت.

امور سیاسی اَباز توزیع و رهیافت انتخاب عمومی در تصمیم‌گیری

اگر تصمیم‌گیری را فرایندی بدانیم که به کمک آن، انتخاب‌هایی صورت می‌گیرد یا یک انتخاب مرجح برگزیده می‌شود، آن‌گاه معنای تصمیم شامل یک نقطه یا مجموعه‌ای از نقاط در فضای زمان و مکان خواهد بود که در آن سیاست-گذاران به تخصیص ارزش‌ها می‌پردازند. از این منظر، تصمیم‌گیری را می‌توان در خلال چرخه سیاست‌گذاری گسترش داد؛ برای مثال، این‌که چه چیزی به «مسأله» تبدیل شود، چه اطلاعاتی مهم است، اولویت سیاست‌ها چه چیزهایی هستند، انتخاب در خصوص اهداف و ابزارها و نیز نحوه اجرای سیاست‌ها و معیارهای ارزیابی آن‌ها چگونه صورت گیرد و غیره (پارسونز، ۱۳۹۲). به‌طور مشخص، ماهیت سیاسی تصمیم‌گیری و چگونگی تأثیرگذاری «امور سیاسی» بر «انتخاب‌های اقتصادی» در یک جامعه، مبنای رویکرد «اقتصاد سیاسی» را تشکیل می‌دهد. مفهوم «جامعه» در این تعریف، نه فقط کشورها یا سایر حوزه‌های قدرت بلکه بنگاه‌ها، گروه‌های اجتماعی یا سایر سازمان‌ها را نیز در بر می‌گیرد. در رویکرد «جدید» از ابزارهای مفهومی و تکنیکی^۲ تحلیل اقتصاد مدرن در تبیین مسائل استفاده می‌شود و در عین حال، ارتباط بسیار نزدیکی با حوزه «نظریه انتخاب عمومی» دارد (درازن، ۱۳۹۰). در واقع، نظریه انتخاب عمومی نوعی برنامه تحقیقاتی است که از مدل‌های انتخاب عقلایی^۳ برای تجزیه و تحلیل انتخاب‌های سیاستی دولت استفاده می‌کند (Shepsle & Weingast, 1981a) و مسأله آن پرداختن به چگونگی شکل‌گیری انتخاب‌های سیاستی، نقش نهادهای سیاسی در اثرگذاری بر این انتخاب‌ها و نیز چگونگی ظهور و تبدیل این نهادهاست.

در چارچوب نظریه انتخاب عمومی، سیاستگذاری‌ها در حوزه اقتصاد، برآیندی از انتخاب عقلایی مبتنی بر نفع شخصی در یک بستر نهادی مشخص هستند و بنابراین، نمی‌توان آن‌ها را یک متغیر برون‌زا در نظر گرفت. تمرکز اصلی،

-
1. Analytical Hierarchy Process
 2. Conceptual and Technical Tools
 3. Rational Choice Models

اغلب بر چگونگی تعیین درون‌زای آن هدفی است که تلویحاً در مدل‌سازی‌های اقتصادی موضوع حداکثرسازی قرار می‌گیرد؛ هدفی که خود طی فرایندهای سیاسی تعیین شده و به‌نوبه‌ی خود برون‌داد اقتصادی را شکل می‌دهد. مسأله اصلی، تبیین چگونگی شکل‌گیری انتخاب‌ها در جامعه‌ای با کارگزاران ناهمگون است و نقطه تمرکز بر فرایندی قرار دارد که طبق آن تصمیم گرفته می‌شود چه سیاستی انتخاب شود. بنابراین، پرسش اصلی این است که در هر فرایند سیاسی خاص، کدام سیاست اقتصادی انتخاب خواهد شد.

در واقع، ناهمگون بودن منافع، کلید اصلی سیاسی شدن مسأله است. اگر همه افراد عامل تنزیل یکسانی داشته باشند و هیچ امکانی برای تفاوت مصرف میان افراد وجود نداشته و متغیرهای فردی و اجتماعی یکسان باشند، در این صورت، با هر سازوکار انتخاب جمعی، هیچ‌گونه مسأله سیاسی ایجاد نخواهد شد. به عبارت دیگر، اگر منافع افراد متضاد نباشد، انتخاب سیاست اقتصادی، همان انتخاب برنامه‌ریز اجتماعی است که حداکثر کردن مطلوبیت جامعه را هدف‌گذاری کرده است. اما اگر میان کارگزاران اقتصادی در جامعه تضاد منافع^۱ وجود داشته باشد، این سؤال مطرح خواهد بود که چگونه آن جامعه، تصمیمات سیاسی جمعی می‌گیرد که نتایج آن تصمیمات بر کل جامعه اثرگذار است؟ تصمیماتی که در آن، برآیند سیاست انتخابی حاصل از فرایند تصمیم‌گیری جمعی، با سیاست «بهینه»‌ای که بر اساس رویکرد بهینه‌یابی اقتصادی انتخاب نهایی حتمی خواهد بود، متفاوت است. بنابراین، این ناهمگونی منافع است که مبنای حوزه اقتصاد سیاسی و به‌همین ترتیب، نظریه انتخاب عمومی را تشکیل می‌دهد (درازن، ۱۳۹۰).

از مهم‌ترین زمینه‌ها برای مطالعه ناهمگونی منافع، ساختار نهاد دولت و نحوه تعامل آن با سایر بخش‌های اقتصادی است؛ در واقع، بر اساس رویکرد نظریه انتخاب عمومی، «استفاده از ابزار اقتصادی برای تحلیل مباحث و موضوعات سیاسی» (Mueller, 2019; Shaw, 2005; Tullock, 2008) عمدتاً با اتکا به این پیش‌فرض صورت می‌گیرد که سیاست‌مداران، مدیران، کارمندان دستگاه‌ها و دوایر دولتی همانند سایر افراد، انسان‌هایی عقلایی هستند که در راستای حداکثر کردن منافع خود رفتار می‌کنند و دلیلی ندارد که پس از قبول مسئولیت‌های دولتی به یک‌باره تغییر رفتار داده و برای تأمین منافع اجتماعی از منافع خصوصی خود چشم‌پوشی کنند (بوکانان & تالوک، ۱۳۹۴). از مهم‌ترین کارهای پژوهشی در مرزهای علوم اقتصادی و سیاسی که به‌عنوان مبانی رویکرد انتخاب عمومی شناخته می‌شوند، می‌توان به «ارزش‌های فردی و انتخاب اجتماعی»^۲ کنت ارو^۳ (۱۹۵۱)، «نظریه اقتصادی دموکراسی»^۴ آنتونی داونز^۵ (۱۹۵۷)، «نظریه کمیته‌ها و

-
1. Conflict of Interests
 2. Social Choice and Individual Value
 ۳. Kenneth Arrow
 4. An Economic Theory of Democracy
 5. Anthony Downs

انتخابات^۱ دانکن بلک^۲ (۱۹۵۸)، «محاسبه رضایت»^۳ جیمز بوکانان و گوردون تالوک^۴ (۱۹۶۲) و «منطق کنش جمعی»^۵ از منکیور اولسون^۶ (۱۹۶۵) اشاره کرد. تمامی این پژوهش‌ها سؤال اصلی خود را پیرامون شناسایی انگیزه‌هایی قرار داده‌اند که کنش‌گران بخش عمومی در هنگام تصمیم‌گیری در این حوزه با آن مواجه می‌شوند. با مشخص کردن این انگیزه‌ها، نظریه پردازان انتخاب عمومی پیش‌بینی می‌کنند که افراد مختلف چگونه عمل خواهند کرد و چگونه می‌توان به یک برآیند جمعی رسید. در واقع انگیزه‌ها، متأثر از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و قواعد به‌کار رفته برای تصمیم‌گیری در رابطه با تخصیص، تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات تولید شده شکل می‌گیرند (Ostrom, 2007).

به‌طور مشخص، بودجه سالانه دولت یکی از برجسته‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در بخش دولتی است که در بستر آن، مسأله تضاد منافع میان کارگزاران مرتبط کاملاً قابل مشاهده است. «از آن‌جا که در فرایند بودجه‌ریزی، منابع و امکانات کشور بر اساس نظر و قواعد دولت تخصیص می‌یابد، لذا ذاتاً نیازمند انتخاب و تعیین اولویت است و به همین دلیل، سیاست‌های بودجه‌ای در مفهوم گسترده، محل نزاع مدعیان رقیب برای تصمیم‌گیری در رابطه با نحوه تخصیص منابع محدود دولت، میان تعداد نامحدودی از اهداف ملی ضروری است» (قاسمی، ۱۳۸۱). از این‌رو، شناسایی هم‌سویی یا تعارض احتمالی منافع حاکمیت با برخی گروه‌های اجتماعی، یا وجود تضاد و تنازع در منافع طبقاتی و کارکردهای نظام توزیع دارای اهمیت است؛ زیرا، گروه‌های ذی‌نفع از طریق فرایندهای لابی‌گری تلاش می‌کنند اعتبار یا ردیفی در راستای منافع خود جذب کنند. در مقام عمل، نتیجه نهایی آن است که بر طبق الگوی نiskanen^۷ (۱۹۷۱) برخی از نمایندگان عموماً بودجه‌ای فراتر از بودجه بهینه را ترجیح می‌دهند.

بر اساس یک تقسیم‌بندی می‌توان سیاست‌های بودجه‌ای را بر حسب گستره نفع‌برندگان از منافع آن‌ها در دو گروه عمده تعریف کرد: گروه اول شامل «امور سیاسی منافع عام»^۸ هستند که منافع آن‌ها، گروه وسیعی از افراد جامعه را در برمی‌گیرد؛ برنامه‌های گسترده‌ای نظیر بیمه بیکاری و مستمری بازنشستگان از جمله این سیاست‌ها هستند. گروه دوم شامل «امور سیاسی منافع خاص»^۹ می‌شود که به هزینه تمام مالیات‌دهندگان، منفعی را به گروه خاصی از شهروندان - گروه خاصی از اصناف یا منطقه‌ای خاص - اختصاص می‌دهد و تحت عنوان «مخارج پروژه‌های دارای منافع اختصاصی»^{۱۰}

-
1. The Theory of Committees and Election
 2. Duncan Black
 3. The Calculus of Consent
 4. James Buchanan & Gordon Tullock
 5. The Logic of Collective Action
 6. Mancur Olson
 7. Niskanen
 8. General interest Politics
 9. Special Interest Politics
 10. Earmarks/Pork Barrel Expenditures

Earmark: ردیف مخارجی است که به‌صورت تخصیص بودجه (لایحه بودجه تخصیصی: Appropriation Bill) و یا به‌طور متداول، گزارشی همراه با این وجوه است که سبب می‌شود بودجه توسط کنگره به سازمان، پروژه، گروه یا منطقه‌ای خاص و عمدتاً بر اساس حوزه‌های انتخاباتی کنگره

از آن یاد می‌شود.^۱ ویژگی کلیدی چنین پروژه‌ای این است که آن قدر ریز و جزئی شده است که تغییر و یا حذف منافع یک منطقه اثری بر روی منافع دریافتی سایر مناطق ندارد (Kennedy, Bickers & Stein, 1996; Evans, 2011). این سیاست‌ها غالباً در راستای افزایش احتمال انتخاب مجدد سیاست‌مدار (Klingensmith, 2019; Hammond & Rosenstiel, 2020) با هدف تضمین شرایط شغلی آینده^۲ (Kerevel, 2015)، به‌عنوان پاداش وفاداری حزبی^۳ فرد نماینده (Curto-Graua & Zudenkova, 2018)، حمایت حزبی از نمایندگان آسیب‌پذیر (Lazarus, 2009) و یا در راستای رفع مشکل کنش جمعی نمایندگان برای حمایت از طرح‌های ملی (Evans, 2004) تعریف می‌شوند. بر اساس منطق کنش جمعی اولسون (۱۹۶۵) تا زمانی که سیاست اقتصادی به‌طور مشخص در راستای منفعت یک گروه خاص قرار داشته باشد، انگیزه‌های سیاسی برای اثرگذاری بر طراحی چنین سیاست‌هایی در گروه‌های ذی‌نفع نسبت به گروه بزرگتر که متحمل هزینه‌های این سیاست می‌شوند، قوی‌تر است.

نمایندگان مجلس برای دریافت بودجه بیشتر، در کنار چانه‌زنی با مقامات اجرایی، نسبت به مبادله رأی - یا به تعبیری زدوبندهای انتخاباتی^۴ - اقدام می‌کنند به این امید که هر کدام از نمایندگان بتوانند از انطباق و تخصیص برنامه‌های توزیعی در منطقه خود منتفع شوند. به این ترتیب، براساس لابی صورت گرفته میان نمایندگان، هر کدام به پیشنهاد بودجه‌ای نماینده منطقه دیگر - هرچند آن پیشنهاد چندان برای آن منطقه ضروری نباشد - رأی مثبت می‌دهند و در مقابل، رأی مثبت آن‌ها را در زمان ارائه پیشنهاد خود دریافت خواهند کرد (Bernholz, 2012; Bickers et al., 2007; Farina, 2005).

اختصاص یابد که به‌صورت ضمیمه گزارش کمیته ارائه می‌شود (Evans; 2004; Clemens, Crespin & Finnocchiaro., 2015a, b; Kennedy, 2015; Lynch, 2020).

Pork Barrel: ردیف مخارجی در خصوص پروژه‌های منطقه‌ای است که در لحظات پایانی تصویب قطع‌نامه مشترک (Resolution Concurrent) به بودجه ایالات متحده اضافه شده و بنابراین، فرایند متعارف را طی نکرده است و به ندرت شفافیتی در مورد دریافت‌کنندگان یا حمایت‌کنندگان آن وجود دارد. حجم بسیار زیاد بودجه و نیز ارائه بودجه نه به‌صورت یک کل واحد که در قالب ۱۲ لایحه جداگانه، این امر را به یک ویژگی دائمی بودجه آمریکا تبدیل کرده است (Kennedy, 2015; Bake, 2021). در اغلب مطالعات از داده‌های Earmark با عنوان بودجه Pork Barrel استفاده شده است (Bickers et al. 2007; Berry & Fowler, 2016; Alexander et al., 2016).
۱. به‌منظور روان‌تر کردن معادل فارسی، از این پس از واژه «بودجه پروژه‌های اختصاصی» استفاده می‌شود.

۲. Career Concern

۳. Party Loyalty

۴. Logrolling

سازمان دهی پارلمانی و امور سیاسی بودجه پروژه‌های اختصاصی^۱

بر اساس ادبیات اقتصادسیاسی بازتوزیع، بودجه پروژه‌های اختصاصی بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی سیاسی پارلمانی و فرایند قانون‌گذاری است. در حالی که در رابطه با انگیزه‌های بودجه‌خواهی نمایندگان به نفع حوزه انتخابیه (طرف تقاضا) اتفاق نظر تقریبی وجود دارد، ادبیات مربوطه در تبیین طرف عرضه و نقش پارلمان در سه نظریه کلی قابل تقسیم‌بندی است: نظریه توزیعی^۲، نظریه حزب‌گرایی^۳ و نظریه اطلاعاتی^۴.

نظریه توزیعی یا نظریه «منافع حاصل از مبادله»^۵ و یا «منافع کمیته»^۶ (Evans, 2011) طراحی عملکرد داخلی پارلمان (کنگره) در قالب کمیته‌های تخصصی - به‌عنوان نهادهای اصلی سازماندهی پارلمان - را در راستای ارتقای توزیع منافع سیاست‌گذاری به نفع حوزه‌های انتخابیه می‌داند (Shepsle & Weingast, 1981a; Weingast & Marshall, 1981; Weingast et al., 1988). عضویت در کمیته این مزیت را دارد که اعضا می‌توانند پیش از سایر نمایندگان مجلس، موضوع سیاست‌گذاری‌های مرتبط با حوزه فعالیت کمیته را مورد بررسی قرار دهند؛ بر این اساس، کمیته‌ها سبب تسهیل زدوبندها در خصوص پروژه‌های تحت حوزه فعالیت کمیته شده و به این ترتیب، مانع از بروز چرخه‌های رأی‌گیری بی‌پایان به‌دلیل تعادل ساختاری القایی^۷ آن (Shepsle & Weingast, 1981a) می‌شوند و علاوه بر این، با حل مشکلات کنش جمعی است این امکان را فراهم می‌کنند تا در نهایت، اعضا بتوانند با پیگیری منافع حوزه انتخابیه، احتمال انتخاب مجدد خود را افزایش دهند. در این بین کمیته تخصیص^۸ به‌واسطه قدرت تعیین زمان، مکان و چگونگی هزینه‌کرد مخارج دولت مرکزی، بخش اعظم مطالعات را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، عضویت در این کمیته از آن جهت مطلوب است که می‌تواند در انتقال بودجه‌های کمک‌هزینه و پروژه‌های اختصاصی به سمت حوزه انتخابیه اعضای خود کمک‌کننده باشد.

در کنار آن، انحصارهای حکمرانی کمیته بر فضای سیاست‌گذاری تحت صلاحیت خود که تحت عنوان «قاعده دروازه‌بانی»^۹ شناخته می‌شود، امکان چانه‌زنی با سایر کمیته‌ها را فراهم می‌کند. بر این اساس، کمیته‌ها (۱) متشکل از افرادی هستند که بالاترین سطح تقاضا را نسبت به حوزه فعالیت کمیته دارند؛ (۲) مکانیسم ورود به آن، نظیر مکانیسم مزایده‌ای است که افرادی با بالاترین درجه ارزش‌گذاری به آن وارد می‌شوند و (۳) اعضای کمیته بیش از سایرین از منافع

-
1. Pork Barrel Politics
 2. Distributive Theory of Legislative Organization
 3. Parisian Theory of Legislative Organization
 4. Informational Theory of Legislative Organization
 5. Gains-From-Trade
 6. Committee Benefits
 7. Structure Induced Equilibrium
 8. Appropriation Committee
 9. Gatekeeping Rule

محدوده اختیارات آن منتفع می‌شوند (Weingast & Marshall, 1988). ایونز^۱ (۲۰۱۱) معتقد است به‌طور ویژه، کمیته‌های فرعی تخصیص^۲ امکان تمرکز بر منافع حوزه انتخابیه خاص را امکان‌پذیر می‌کنند و به‌نوعی نقش کارگزار را برای هدایت حجم بالای بودجه پروژه‌های اختصاصی در راستای تأمین تقاضای منطقه از طریق ایجاد ائتلاف اکثریت منفعت-جویان^۳ برعهده دارند. اندازه مورد انتظار این ائتلاف، موضوع مطالعاتی در ادبیات انتخاب عقلایی است که از شکل‌گیری ائتلاف اقلیت برنده^۴ (Riker, 1962; بوکانان & تالوک, ۱۳۹۴) تا مبانی تشکیل ائتلاف عمومیت‌گرا^۵ (Shepsle & Weingast, 1981b) را شامل می‌شود.

در کنار این نظریه، دو نظریه دیگر نیز در رابطه با کارکرد کمیته‌ها ارائه شده است: نخست، نظریه حزبی‌گرایی^۶ با اولویت قرار دادن پیگیری اهداف حزبی (به‌طور مشخص، حفظ و گسترش موقعیت حزب اکثریت در پارلمان) به نقش حزب اکثریت، در سازماندهی صحن مجلس و تعیین دستورکار جلسه به‌عنوان یک کارتل^۷ اشاره دارد و کمیته‌ها را ابزارهایی نهادی برای رسیدن به دو هدف اصلی می‌داند؛ نخست، ایجاد اتحاد برای تصویب قوانین مهم با دامنه اثرگذاری ملی و سپس، کمک به اعضا در فرایند انتخابات با استفاده از بودجه پروژه‌های اختصاصی به‌منظور حفظ موقعیت اکثریت. به این منظور، کمیته‌های دارای دامنه حکمرانی وسیع نظیر کمیته‌های مربوط به حوزه آموزش، بهداشت و ... بر اهداف حزبی تمرکز دارند و اعطای بودجه پروژه‌های اختصاصی به متقاضیان اصلی، به کمیته‌هایی با دامنه فعالیت محدود نظیر کمیته کشاورزی محدود می‌شود تا از این طریق، ضمن حفظ اعتبار حزب و اجتناب از سرزنش حزبی^۸ - به اتهام سوءاستفاده از منابع در اختیار - کمک به اعضا برای انتخاب مجدد همچنان در دستورکار باقی بماند (Balla et al., 2002; Cox & McCubbins, 1993, 2005).

ثانیاً، بر اساس نظریه اطلاعاتی سازماندهی پارلمان، کمیته‌ها متشکل از نمایندگان اکثریت صحن مجلس هستند که بر اساس منطق تقسیم کار و توسعه تخصص‌گرایی به عضویت کمیته‌ها درآمده‌اند. نمایندگان از طریق جمع‌آوری هدفمند اطلاعات و ارائه نطق در صحن مجلس و یا در کمیته مربوطه و یا از طریق ایجاد ائتلاف سیاست‌گذاری، نیازهای حوزه انتخابیه خود و یا گروه‌های ذی‌نفع را مورد توجه قرار می‌دهند (Krehbiel, 1990; Krehbiel, 1992).

-
1. Evans
 ۲. Appropriation Subcommittees
 3. Majority Coalition Of Benefit Seekers
 4. Minimal Winning Coalition
 5. Universalistic Coalition
 6. Partisan Theory
 7. Cartel
 8. Partisan Blame Avoidance

مسأله بررسی ارتباط میان اختصاص بودجه فدرال به نفع منطقه یا گروهی خاص در راستای اهداف انتخاباتی اولین بار توسط مایهوا^۱ (۱۹۷۴) مطرح شد. نایت^۲ (۲۰۰۵) بر اساس داده‌های درون منطقه‌ای به بررسی ارتباط تأمین مالی پروژه‌های حمل و نقل با عضویت یکی از نمایندگان منطقه در کمیته حمل و نقل و زیرساخت‌های مجلس نمایندگان^۳ پرداخته است. بر اساس نتایج به‌دست آمده، مناطق مورد بررسی در دوره‌هایی که نماینده‌ای در این کمیته دارند، وجوه بیشتری برای تأمین مالی پروژه‌های خود کسب می‌کنند.

کرسپین و فینوچیارو^۴ (۲۰۰۸) در بررسی بودجه پروژه‌های اختصاصی در مجلس سنا، به این نتیجه رسیده‌اند مناطقی که دو نماینده آن در کمیته‌های فرعی تخصیص حضور دارند، سهم بیشتری از بودجه را به‌دست آورده‌اند؛ هرچند حجم بودجه، به ظرفیت کمیته، برای اختصاص بودجه منطقه‌ای وابسته است. لازاروس و استیگروالد^۵ (۲۰۰۹) نیز سهم‌بری بیشتر اعضای کمیته تخصیص (سال مالی ۲۰۰۸) برای هر دو مجلس نمایندگان و سنا را مورد تأیید قرار داده‌اند؛ در این مطالعه، ریاست کمیته، به‌عنوان امتیازی برای دریافت بودجه بیشتر تأیید نشد.

علاوه بر این، اثر سابقه فعالیت در کمیته‌های خاص (DeBaker, 2011) و به‌طور مشخص کمیته‌های فرعی تخصیص (Clemens et al., 2015a)، مزیت عضویت در حزب اکثریت (Albouy, 2013; Clemens et al., 2015b)، قدرت رؤسای کمیته‌های فرعی در کنش‌های بودجه‌ای نمایندگان (Berry & Fowler, 2016)، نقش مؤثر جایگاه‌های ویژه پارلمانی بر توزیع بودجه پروژه‌های اختصاصی (Hammond & Rosenstiel, 2020) در حجم بودجه اختصاص یافته به مناطق خاص مورد تأیید قرار گرفته است.

یولوباسوقلو و یاراسیر- تولوم^۶ (۲۰۱۹) در بررسی عوامل مؤثر در تخصیص استانی سرمایه‌گذاری عمومی، به این نتیجه رسیده‌اند که در حوزه امورسیاسی توزیع، عوامل سیاسی نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند. در کنار تأیید اثرگذاری حاکمیت حزب راست و هدف‌گذاری بر رأی‌دهندگان مصمم، ویژگی‌های فردی نمایندگان پارلمان، نظیر ارشدیت، تحصیلات و شغل پیشین نماینده رابطه معناداری با حجم سرمایه‌گذاری اختصاص یافته به مناطق دارد.

۱. Mayhew

۲. Knight

3. House Committee on Transportation and Infrastructure

۴. Crespin & Finocchiaro

۵. Lazarus & Steigerwalt

۶. Ulubasoglu & Yaraşır-Tülümce

سعید، نوری‌نیا و محمدعلی‌پور (۱۳۸۳) در تحلیل رفتارها و نگرش‌های نمایندگان مجلس به خدمت‌رسانی به حوزه‌های انتخابیه نشان دادند که قرار گرفتن نماینده در یکی از فهرست‌های انتخاباتی مطرح، انگیزه خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه را کاهش می‌دهد.

بر اساس مطالعه امیری و صمدیان (۱۳۹۶) تعداد نمایندگان هر استان در مجلس شورای اسلامی تأثیر زیادی در قدرت چانه‌زنی نمایندگان در تصویب طرح‌های عمرانی جدید و تخصیص بودجه جهت تکمیل طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام دارد.

دین‌محمدی و فرهادی (۱۴۰۱) بر اساس یک تحلیل استنباطی به این نتیجه می‌رسند که تغییرات کمی لویج بودجه (۱۳۷۶-۱۴۰۰) جداول مربوط به اعتبارات تملک‌داری‌های سرمایه‌ای در فرایند تصویب مجلس تا حدود ۳۰ درصد تغییر کرده‌اند و رویکرد غالب در تغییر این اعتبارات (۸۸ درصد) در جهت افزایش اعتبار ردیف‌های پایدار موجود و ایجاد ردیف اعتبارات جدید بوده است. به این ترتیب، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، حاکمیت بودجه پروژه‌های اختصاصی در نظام بودجه‌ریزی ایران به تأیید می‌رسد.

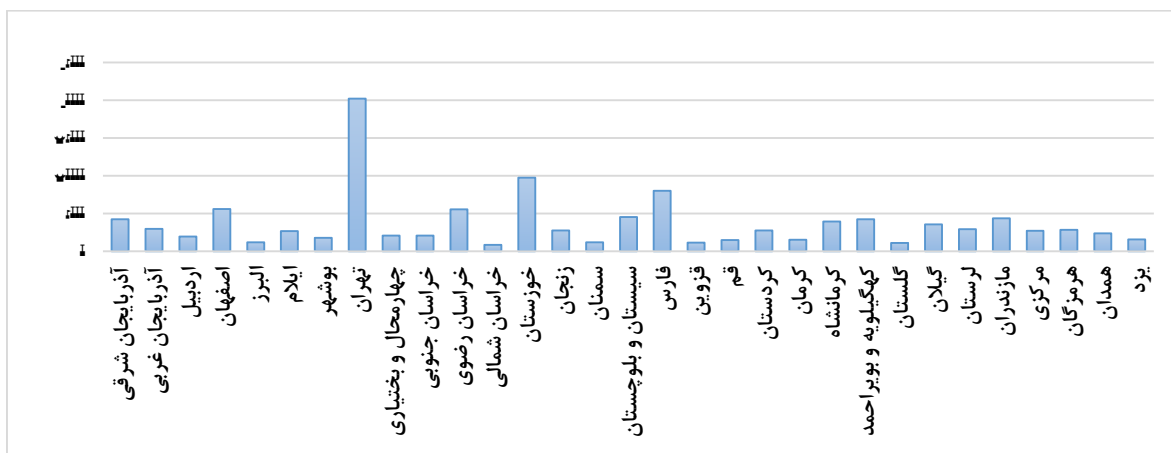
سایر مطالعات داخلی در خصوص کنش نمایندگان در بررسی نطق پیش از دستور (اورکی-کوه-شور & مایلی، ۱۳۹۶؛ ملک-الساداتی، ۱۳۹۲)، تذکرات به مسئولان اجرایی (توسلی-رکن-آبادی & شعبان-شمیرانی، ۱۳۹۲)، پیشنهادها در بودجه سالیانه و سؤال و استیضاح وزیران (دین-پرستی-صالح، ۱۳۹۵) که عمدتاً با استفاده از روش تحلیل محتوا صورت گرفته است، غلبه رویکردهای منطقه‌ای نسبت به رویکردهای ملی را مورد تأیید قرار می‌دهد و در عین حال، بررسی بیشتری در خصوص عوامل مؤثر بر این کنش صورت نگرفته است.

جایگاه‌های ویژه پارلمانی در مجلس شورای اسلامی و کنش بودجه‌ای نمایندگان

در این پژوهش، قدرت نمایندگان در اثرگذاری بر فرایند تصویب بودجه متأثر از جایگاه‌های پارلمانی ویژه‌ای است که امکان و احتمال موفقیت مداخله را افزایش می‌دهد. در رابطه با مسأله بودجه و مراحل تصویب پارلمانی آن، بر اساس مصاحبه با خبرگان، پنج جایگاه عضویت در هیأت ریسه، ریاست هر کدام از کمیسیون‌های تخصصی، عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و در نهایت، عضویت در کمیسیون تلفیق مجلس به نمایندگی از کمیسیون برنامه و بودجه و یا نمایندگی سایر کمیسیون‌ها به‌عنوان جایگاه‌های مؤثر شناسایی شده‌اند که در کنار، موقعیت فرد نماینده به‌لحاظ سابقه نمایندگی (ارشدیت)، گرایش‌های حزبی نمایندگان و تعداد کرسی‌های نمایندگی استان مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مسأله اصلی، بررسی ارتباط میان جایگاه پارلمانی نمایندگان و برآیند آن بر فرایند تصویب پارلمانی بودجه است. از آن‌جا که مفهوم بودجه پروژه‌های اختصاصی، مابه‌ازای مشخصی در نظام بودجه‌ریزی ایران ندارد، این مقاله، مطالعه تغییرات پیوست یک لایحه بودجه - مرتبط با اعتبار طرح‌های تملک‌داری‌های سرمایه‌ای از محل درآمد ملی - را مورد توجه قرار داده است. بر این اساس، رویکرد اصلی این پژوهش، تطبیق و مقایسه ارقام ردیف‌های بودجه عمرانی محدود به هر یک از

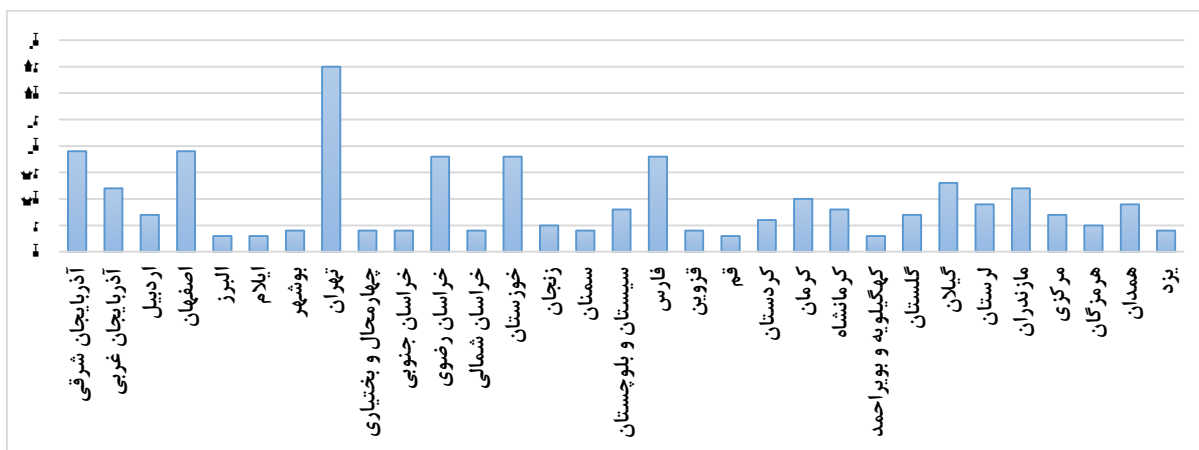
استان‌ها در پیوست یک لایحه بودجه با ردیف‌های مزبور در قانون بودجه مصوب طی دو دوره مجلس نهم و دهم (۱۳۹۱-۱۳۹۸) و فرایند تصویب بودجه سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ است که در قالب نمودار (۱) ارائه شده است.



جدول ۱. تغییر اعتبار طرح‌های عمرانی ملی در فرایند تصویب بودجه در دوره‌های نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (به تفکیک استان / میلیارد ریال)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

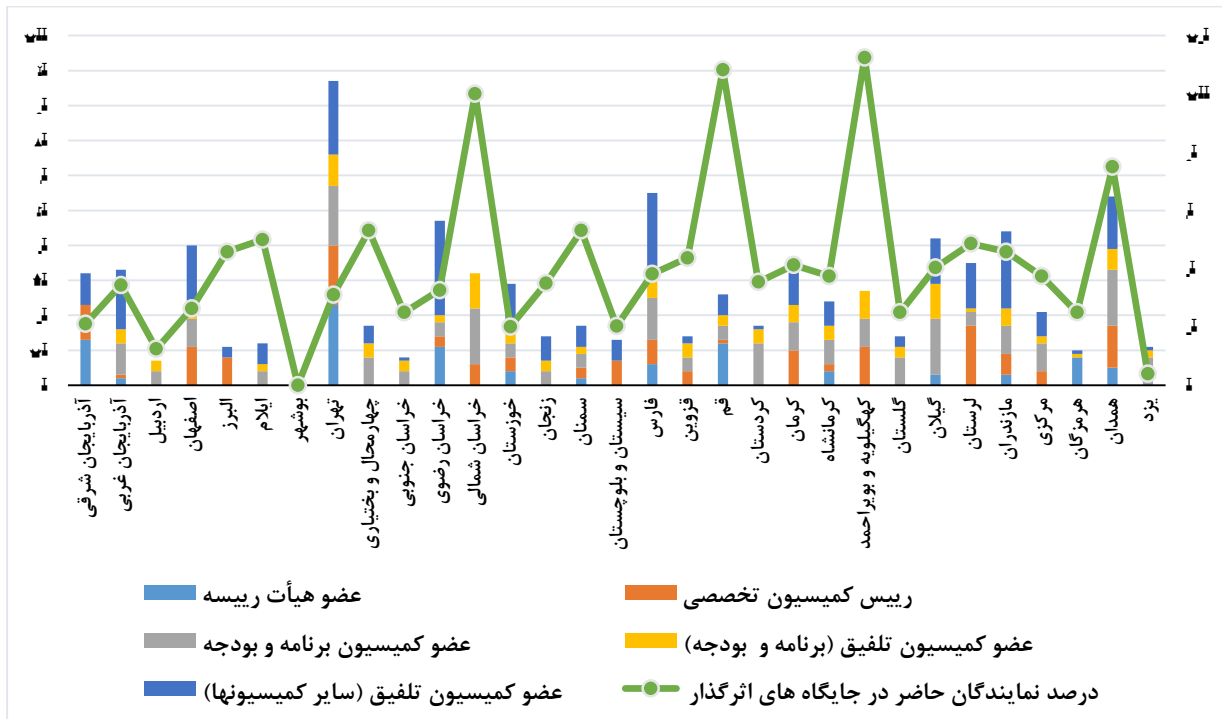
بر اساس اطلاعات نمودار، در مجموع هشت سال و طی فرایند تصویب بودجه سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹، استان تهران بیشترین افزایش اعتبارات عمرانی معادل ۲۰۱۹۷/۶۰۸ میلیارد ریال و استان خراسان شمالی با افزایش اعتبار عمرانی معادل ۸۵۴/۵۴ کمترین میزان افزایش اعتبارات را طی دوره مورد نظر تجربه کرده‌اند.



نمودار ۲. تعداد کرسی‌های نمایندگان استان‌های کشور

مأخذ: سایت مجلس شورای اسلامی

نمودار (۲) تعداد کرسی‌های نمایندگی ۳۱ استان کشور را نشان می‌دهد. بر اساس نمودار فوق، استان تهران با ۳۵ نماینده، دارای بیشترین تعداد کرسی‌های نمایندگی و استان‌های البرز، ایلام، قم و کهگیلویه و بویراحمد با سه نماینده، کمترین تعداد کرسی‌های نمایندگی استانی را در مجلس شورای اسلامی در اختیار دارند.



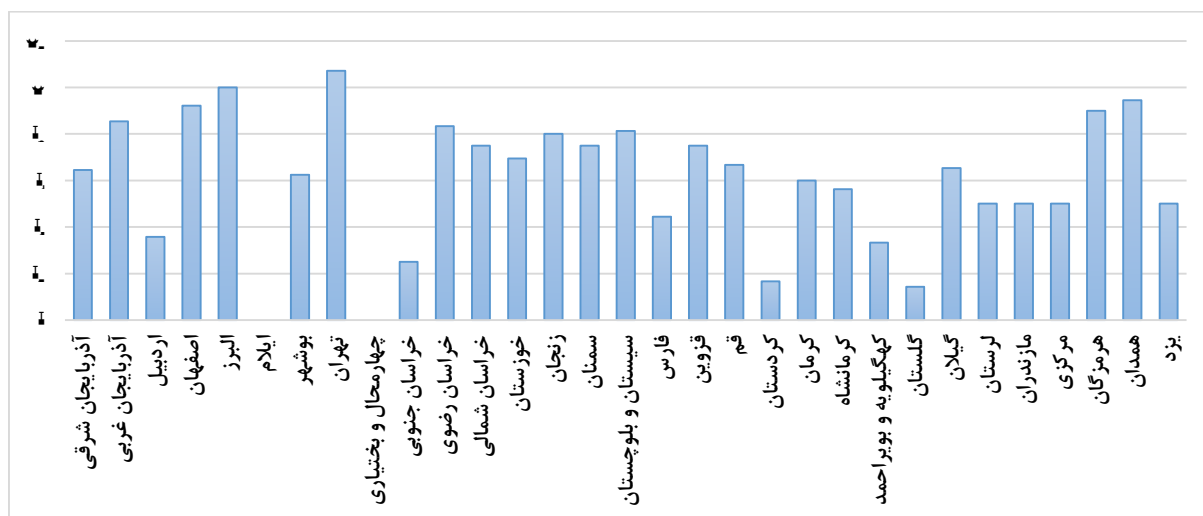
نمودار ۳. جایگاه‌های پارلمانی و درصد نمایندگان حاضر در جایگاه‌های اثرگذار طی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱-۱۳۹۸)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمودار (۳) موقعیت استان‌های کشور را در تصاحب جایگاه‌های پارلمانی ویژه طی دو دوره مدنظر مجلس نشان می‌دهد. نمودار ستونی، بیان‌گر تعداد نمایندگان استانی عضو پنج جایگاه تعریف‌شده است و نمودار خطی درصد نمایندگانی را نشان می‌دهد که توانسته‌اند این جایگاه‌های ویژه را تصاحب کنند. نکته قابل توجه، وضعیت استان بوشهر است که طی دو دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی هیچ نماینده‌ای در این پنج جایگاه ویژه نداشته است. این در حالی است که بر اساس نمودار خطی، نمایندگان استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و قم از امکان عضویت هم‌زمان در کمیسیون برنامه و بودجه و کمیسیون تلفیق و یا عضویت هم‌زمان در هیأت ریسه و کمیسیون تلفیق استفاده کرده‌اند و بنابراین، عدد مربوطه، بیش از ۱۰۰ درصد ظرفیت نمایندگان استان است. در رده بعدی، استان‌های خراسان شمالی و همدان قرار دارند. کمترین حضور، به ترتیب به استان‌های بوشهر، یزد و اردبیل مربوط می‌شود. در این دو دوره، استان‌های اردبیل، البرز و سیستان و بلوچستان تنها دو مورد از پنج جایگاه ویژه حضور داشته‌اند.

علاوه بر این، پس از استان تهران، استان‌های آذربایجان شرقی، قم و خراسان رضوی بیشترین حضور را در هیأت ریسه مجلس داشته‌اند. بیشترین حضور به‌عنوان ریاست کمیسیون تخصصی در اختیار استان لرستان بوده است. در رابطه با حضور در کمیسیون‌های برنامه و بودجه و کمیسیون تلفیق می‌توان به ترتیب به استان‌های تهران و همدان و نیز استان‌های تهران، خراسان رضوی، فارس و مازندران اشاره کرد.

نمودار (۴)، موضوع ارشدیت و سابقه نمایندگی نمایندگان استانی را طی دوره مورد نظر نشان می‌دهد.

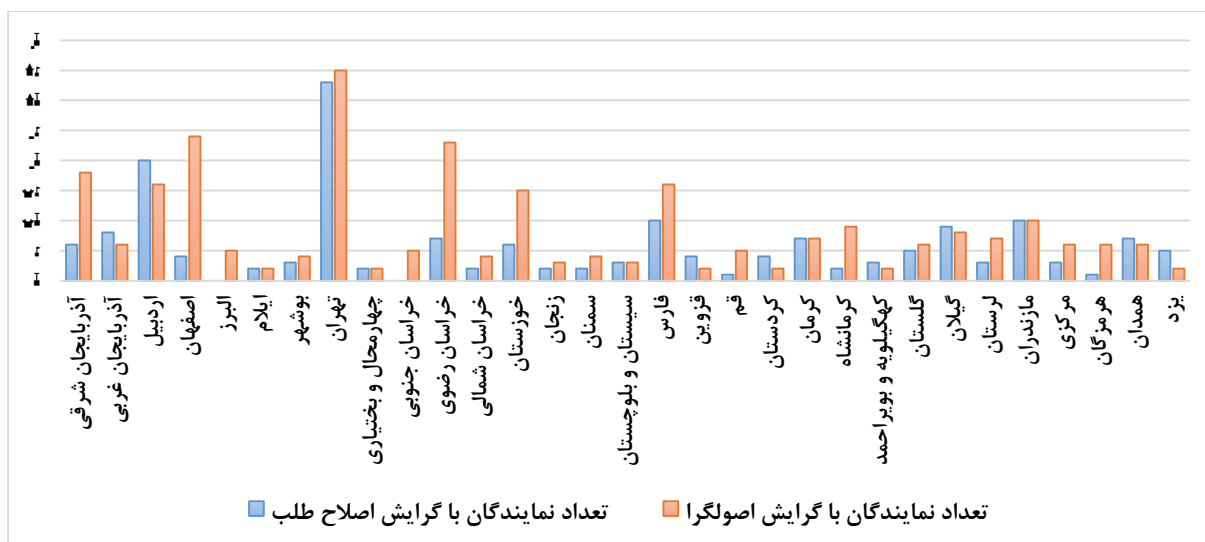


نمودار ۴. متوسط سابقه نمایندگی نمایندگان استان طی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱-۱۳۹۸)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

محاسبه متغیر ارشدیت نمایندگان، بر اساس محاسبه متوسط دوره‌های سابقه نمایندگی نمایندگان استان طی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است. بر اساس اطلاعات نمودار، استان‌های ایلام و چهارمحال و بختیاری در مجموع هر دو دوره، نمایندگانی را به مجلس شورای اسلامی معرفی کرده‌اند که سابقه فعالیت نمایندگی نداشته‌اند. پس از آن، نمایندگان استان‌های گلستان و کردستان کمترین سابقه نمایندگی را دارند. استان‌های تهران، البرز، همدان، هرمزگان و اصفهان در بالای این رده‌بندی قرار می‌گیرند.

در نهایت، نمودار (۵) نشان‌دهنده وضعیت گرایش حزبی نمایندگان این دو دوره است.



نمودار ۵. تعداد نمایندگان استان با گرایش‌های حزبی اصولگرا و اصلاح طلب دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱-۱۳۹۸)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس اطلاعات نمودار فوق، به استثنای استان‌های یزد، همدان، گیلان، اردبیل و آذربایجان غربی که تمایل بیشتری به انتخاب نمایندگان با گرایش حزبی اصلاح طلب داشته‌اند و نیز تعداد برابر نمایندگان هر دو گرایش سیاسی در استان‌های ایلام، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، کرمان و مازندران، در سایر استان‌ها غلبه با نمایندگان گرایش اصولگرا بوده است.

روش تحقیق

در این بخش، به منظور استخراج ارتباط میان کنش بودجه‌ای نمایندگان با عواملی نظیر جایگاه پارلمانی نمایندگان استان، تعداد کرسی‌های نمایندگی استان، ارشدیت و سابقه نمایندگی و در نهایت گرایش‌های حزبی منتخبین استانی از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی^۱ استفاده می‌شود. داده‌های مورد نظر اعتبارات پیوست «۱» لایحه بودجه و قانون بودجه کل کشور منطبق با دوره‌های نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲-۱۳۹۹)، سایت رسمی مجلس شورای اسلامی استخراج شده‌اند.

اولین گام در بررسی نقش جایگاه پارلمانی نمایندگان بر فرایند تصویب بودجه، توجه به تفاوت قدرت نفوذ این جایگاه‌ها است. از این‌رو، پرسش‌نامه‌ای در قالب طیف پنج گزینه‌ای کیفی لیکرت، در اختیار نمایندگان دوره یازدهم مجلس

۱. Ordinary Least Squares (OLS)

شورای اسلامی - به‌عنوان خبرگان امر - قرار گرفت که به مقایسه زوجی پنج جایگاه پارلمانی ویژه مؤثر بر فرایند بودجه اشاره داشت.^۱ نمونه مشابهی از پرسش‌نامه طراحی‌شده در پیوست مقاله (جدول الف) آمده است. با این توضیح که پرسش - نامه مقاله، به صورت مقایسه توصیفی طراحی شده و ارزش‌گذاری‌های عددی برای کمی‌سازی نتایج، پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها صورت گرفته است. پس از جمع‌آوری نظرات ۲۱ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و انجام معادل - سازی‌های عددی، تحلیل نهایی با استفاده از فرایند تکنیک AHP و بر اساس خروجی نرم‌افزار اکسپرت چویس ۲۱۱ به‌دست آمده که در قالب جدول (ب) در پیوست مقاله ارائه شده است.

بر اساس اطلاعات جدول (۲) عضویت در هیأت ریسه ضریب تأثیری معادل ۰/۲۹۹، عضویت در کمیسیون تلفیق (به نمایندگی از کمیسیون برنامه و بودجه) ۰/۲۷۸، تصدی ریاست کمیسیون تخصصی مجلس ۰/۲۲۹، عضویت در کمیسیون تلفیق (به نمایندگی از سایر کمیسیون‌ها) ۰/۱۲۴ و عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات ضریب تأثیری معادل ۰/۰۷۰ را به خود اختصاص داده‌اند. نرخ سازگاری نیز در حد قابل قبول ($CR < 0/1$) و معادل ۰/۰۶ به‌دست آمد که نشان‌دهنده دقت این مقایسه زوجی و تأیید این نکته است که قضاوت‌ها به‌صورت تصادفی اعمال نشده‌اند. مدلی که برای بررسی نهایی اثرگذاری موقعیت پارلمانی نمایندگان استان بر کنش بودجه‌ای نمایندگان استان در نظر گرفته شده، به‌صورت ذیل است.

$$Y = \alpha + \beta_1 Position + \beta_2 Seat + \beta_3 Seniority + \beta_4 Ln + \beta_5 Rn + \beta_6 Va_{share} + \beta_7 Density + \varepsilon$$

Y معادل تغییر بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی است که بر اساس مطالعه تغییرات پیوست یک لایحه بودجه کل کشور در فرایند تصویب پارلمانی استخراج شده است و رقم مربوطه، مجموع تغییرات بودجه عمرانی استانی را برای دوره هشت‌ساله (تصویب بودجه ۱۳۹۲-۱۳۹۹) نشان می‌دهد.

Position نشان‌دهنده تعداد نمایندگان استان حاضر در جایگاه‌های ویژه پارلمانی طی دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی است که با لحاظ ضریب مؤثر جایگاه‌های پنج‌گانه وارد شده است. *Seat* تعداد کرسی‌های نمایندگی استان، *Seniority* معادل متوسط سابقه نمایندگی نمایندگان استان، *Ln* تعداد نمایندگان استان با گرایش اصلاح‌طلب و *Rn* تعداد نمایندگان استان با گرایش اصول‌گرا را نشان می‌دهد. معناداری متغیرهای *Position* و نیز *Ln* و *Rn* می‌تواند به‌ترتیب معادل تأیید نظریه منافع کمیته و نظریه حزبی‌گرایی در پارلمان ایران باشد.

۱. بر اساس طیف‌بندی لیکرت، فرد تصمیم‌گیرنده برای مقایسه n گزینه، باید به $\frac{n(n-1)}{2}$ پرسش پاسخ دهد. بنابراین، برای مقایسه ۵ جایگاه پارلمانی، ۱۰ سؤال مقایسه‌ای ارائه شده است.

به منظور تصریح بهتر مدل و لحاظ ویژگی‌های اقتصادی منطقه برای اختصاص بودجه عمرانی، دو متغیر سهم استان از ارزش افزوده ملی Va_share و تراکم جمعیت استان $Density$ به مدل اضافه شده است که مبتنی بر داده‌های مرکز آمار ایران است.

جدول (۳) حالت‌های مختلف تصریح مدل و نتایج برآوردها را بر اساس خروجی نرم‌افزار استاتا ۱۷ نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول و گزارش معیار آکائیک^۱، مدل (۸) بهترین مدل برای برآورد شناسایی شده است.

جدول ۱. انتخاب بهترین تصریح مدل بر اساس معیار آکائیک

متغیر	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)	مدل (۶)	مدل (۷)	مدل (۸)
Position	۳۹/۷۷۵ (۰/۰۶۲)	۳۸/۵۰۳ (۰/۰۷۸)	۴۷/۳۶۶ (۰/۰۲۵)	۲۲/۶۷۷ (۰/۵۴۱)	۴۸/۹۱۸ (۰/۰۵۱)	۳۹/۹۳۵ (۰/۲۸۳)	۴۱/۹۷۰ (۰/۲۲۳)	۵۷/۶۲۳ (۰/۰۰۷)
Seat		۲۱/۰۱۰ (۰/۶۸۴)			۱۹/۰۶۴ (۰/۱۰۹)		۵۹/۴۶۷ (۰/۰۱۳)	۵۹/۱۹۱ (۰/۰۰۹)
Seniority			-۵۳/۴۶۴ (۰/۰۶۴)		-۴۸/۹۵۸ (۰/۰۸۰)	-۵۲/۶۷۹ (۰/۰۸۶)		-۵۲/۲۰۰ (۰/۵۰۳)
Ln				۲۱/۶۳۱ (۰/۵۹۳)			۷۶/۲۵۶ (۰/۱۴۹)	۹۱/۳۰۷ (۰/۰۷۴)
Rn				۱۰/۸۳۲ (۰/۶۶۲)			۸۵/۸۶۶ (۰۵۳)	۸۹/۱۴۵ (۰/۰۳۵)
Va_Share	۹۳/۰۳۷ (۰/۰۰۰)	۸۸/۱۷۷ (۰/۰۰۰)	۹۱/۳۸۷ (۰/۰۰۰)	۷۶/۳۴۷ (۰/۰۳۵)	۶۵/۷۸۱ (۰/۰۰۵)	۸۳/۴۴۵ (۰/۰۱۹)	۱۱۰/۷۷۰ (۰/۰۰۳)	۱۱۷/۶۴۴ (۰/۰۰۱)
Density	-۵۱۴/۱۰ (۰/۰۰۶)	-۳۸۱/۲۲ (۰/۳۲۲)	-۳۲۴/۹۱ (۰/۳۴۰)	۲۳۵/۸۰ (۰/۰۳۰)	-۲۳۰/۰۰ (۰/۵۲۵)	۲۷۱/۰۰ (۰/۵۰۲)	۱۲۲/۴۵۵ (۰/۰۷۵)	۸۲/۴۰۵ (۰/۸۱۹)
_Con	۶۰۸/۶۹۶ (۰/۲۰۵)	۴۷۸/۶۲ (۰/۳۸۱)	۲۵۵۷/۰۹ (۰/۰۳۰)	۶۱۴/۵۳ (۰/۲۲۸)	۲۱۴۶/۹۱ (۰/۰۶۴)	۲۵۲۸/۵۸ (۰/۰۴۱)	۱۸۶۷/۵۳ (۰/۰۹۸)	۱۷۰۲ (۰/۱۲۵)
R2	۰/۸۵۶۴	۰/۸۳۴۷	۰/۸۳۸۱	۰/۸۵۹۳	۰/۸۳۱۸	۰/۸۲۷۲	۰/۸۲۴۲	۰/۸۲۰۸
F	۵۳/۶۶ (۰/۰۰۰)	۳۸/۸۸ (۰/۰۰۰)	۳۹/۸۲ (۰/۰۰۰)	۳۰/۵۳ (۰/۰۰۰)	۳۰/۶۷ (۰/۰۰۰)	۲۴/۹۴ (۰/۰۰۰)	۲۴/۴۴ (۰/۰۰۰)	۲۰/۵۵ (۰/۰۰۰)
AIC	۵۴۳/۶۹۹	۵۴۵/۶۱	۵۴۴/۹۸	۵۴۰/۰۵	۵۴۶/۹۴	۵۴۸/۱۸	۵۴۰/۹۴	۵۳۷/۹۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۱. Stata 17

۲. Akaike Information Criterion

بر اساس نتایج به دست آمده از برآورد مدل (۸) متغیر جایگاه پارلمانی ویژه نمایندگان استان با ضریب ۵۲/۶۲۳ واحد در سطح اطمینان ۹۹ درصد بر تغییر بودجه عمرانی استان در فرایند تصویب پارلمانی بودجه اثرگذار است. علاوه بر این، تعداد کرسی‌های نمایندگی استان و تعداد نمایندگان دارای گرایش اصلاح طلب و اصول گرا نیز رابطه مثبت و معناداری با کنش بودجه‌ای نمایندگان استان دارند. برآورد ضریب متغیر ارشدیت به صورت منفی و غیرمعنادار گزارش شده است. در نهایت، متغیر سهم استان از ارزش افزوده کل کشور با ضریب ۱۱۷/۶۴۴ واحد در سطح اطمینان ۹۹ درصد بر تغییر بودجه عمرانی استان از محل درآمد ملی در صحن مجلس اثرگذار است. این در حالی است که اثر متغیر تراکم جمعیت معنادار نیست. نتایج به دست آمده از متغیرهای اقتصادی نشان‌دهنده توجه نمایندگان استان به امکانات و زیرساخت‌های استان در چانه‌زنی‌ها و لابی‌های بودجه‌ای است که بیش از مسأله برابری و رویکرد عدالت‌محور برای افزایش ظرفیت جذب بودجه عمرانی مورد توجه قرار گرفته است.

جدول (۳) به مقایسه میان دو دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی می‌پردازد.

جدول ۲ - مقایسه میان دو دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی

متغیر	دوره نهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴-۱۳۹۱)	دوره دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸-۱۳۹۵)
Position	* ۱۲۲/۴۵۴۷	* ۴۵۱/۷۴۸۲
Seat	* ۱۲۵/۱۳۰۷	* ۳۰۳/۳۳۵۴
Seniority	۳/۴۴۰۸	۱۷/۹۲۸۵۷
Ln	۴۱/۳۳۷۲۸	* ۷۹/۶۷۳۹۷
Rn	۳۱/۰۳۸۹	* ۸۹/۵۱۳۲۵
Gdp_Share	** ۷۴/۸۹۶۸	* ۱۰۱/۷۳۴۹
Density	-۲۳۰/۰۰۰۴	-۲۷۲/۰۱۴۳
_Con	۸۳/۴۰۰۷	-۲۴/۷۳۵۵۴
F Test	** ۱۹/۴۹	** ۲۴/۸۲
Adj R ²	۰/۸۱۱۸	۰/۸۴۷۵

* معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ** معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از برآورد مدل OIS در جدول (۳) نشان می‌دهد که در هر دو دوره جایگاه‌های ویژه پارلمانی اثر معناداری بر افزایش بودجه عمرانی استان در فرایند تصویب پارلمانی بودجه داشته‌اند و تعداد نمایندگان استان نیز در این رابطه، مثبت و معنادار محاسبه شده است. متغیر سهم استان از تولید ارزش افزوده کشور نیز بصورت مثبت و معنادار و با ضرایب ۷۴/۹ و ۱۰۱/۷ واحد برای دو دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی گزارش شده و همچنان، مسأله تراکم جمعیت،

اثر معناداری بر کنش بودجه‌ای نمایندگان استان نداشته است. تنها تفاوت میان این دو دوره، معناداری تعداد اعضای احزاب اصلاح‌طلب و اصول‌گرا در دوره دهم مجلس شورای اسلامی است که در دوره نهم، به‌صورت ضریب معنادار گزارش نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس جایگاه نظام بودجه‌ریزی در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان، مطالعه و بررسی انگیزه‌ها و سطوح مداخله کنش‌گران فعال در این حوزه، از جمله مسائل و موضوعات مهم مطالعاتی به‌شمار می‌آید. بر اساس قانون اساسی کشور، قوه مقننه در نظام بودجه‌ریزی کشور اثرگذار است و بررسی میزان تغییرات لایحه بودجه در فرایند تصویب پارلمانی، این موضوع را تأیید می‌کند. در این مقاله، ضمن تمرکز بر ادبیات اقتصادسیاسی نهادهای پارلمانی من‌جمله کمیسیون‌های مجلس، به نقش جایگاه‌های ویژه نمایندگی و گرایش‌های حزبی، ارشدیت و تعداد کرسی‌های نمایندگی استان پرداخته شد. متغیر مورد مطالعه، تغییر اعتبارات عمرانی استان از محل درآمدهای ملی است که از مقایسه تغییر ارقام پیوست یک لایحه بودجه کل کشور برای دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲-۱۳۹۹) استخراج شده است.

در مرحله اول بر اساس رویکرد AHP ضریب تأثیر جایگاه‌های ویژه نمایندگی شامل پنج موقعیت معرفی شده محاسبه شد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، به‌ترتیب جایگاه‌های عضویت در هیأت ریسه مجلس شورای اسلامی، عضویت در کمیسیون تلفیق (به نمایندگی از کمیسیون برنامه و بودجه)، تصدی ریاست کمیسیون تخصصی مجلس، عضویت در کمیسیون تلفیق (به نمایندگی از سایر کمیسیون‌ها) و عضویت در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات بیشترین تأثیرگذاری را بر روند تصویب پارلمانی بودجه دارند.

در ادامه و پس از تصریح مدل رگرسیونی مبتنی بر اثرگذاری مطالبات منطقه‌ای و اهداف انتخاباتی در هدایت بودجه عمرانی و نیز، اثرگذاری گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های حزبی بر کنش بودجه‌ای نمایندگان مجلس مشخص شد که به استثنای متغیر ارشدیت، سایر متغیرها شامل تعداد نمایندگان استانی حاضر در جایگاه‌های ویژه (با در نظر گرفتن ضریب تأثیر جایگاه مزبور بر اساس خروجی تحلیل AHP)، تعداد نمایندگان استانی با گرایش‌های حزبی و نیز تعداد کرسی‌های نمایندگی استان رابطه مثبت و معناداری با افزایش بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی در دوره مورد بررسی داشته‌اند. بنابراین، بر اساس ادبیات مربوط به سازمان‌دهی پارلمانی، با تأیید ارتباط میان تصاحب جایگاه‌های ویژه پارلمانی با افزایش بودجه عمرانی استان از محل درآمدهای ملی، نظریه توزیعی یا نظریه منافع کمیت‌ده در پارلمان ایران قابلیت انطباق دارد. علاوه بر این، تأیید ارتباط میان تعداد نمایندگان دارای گرایش‌های حزبی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، می‌تواند به‌معنای پذیرش اثرگذاری احزاب در جهت‌گیری کنش‌های بودجه‌ای نمایندگان باشد. هرچند در اقتصاد ایران به‌معنای واقعی و سیاسی آن وجود ندارد و جناح‌های موجود فاقد دیدگاه مدون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستند؛ اما «تقدم

گرایش سیاسی بر گرایش اقتصادی و اولویت گرایش و منافع حزبی در مصوبات و انفعال فراکسیون‌های اقتصادی در مقابل فراکسیون‌های سیاسی» (حسین-پور 1398، et al.) حاکم است.

به لحاظ آماری، متغیر ارشدیت و سابقه نمایندگی تأثیر معناداری در تغییر بودجه عمرانی ندارد. در واقع، هرچه سطح اعتبار و شهرت نماینده ارتقا یابد، انتظار می‌رود مسأله تلاش برای افزایش احتمال انتخاب مجدد در دوره آتی انتخابات مجلس، از مسیرهایی دیگر غیر از تأمین بودجه عمرانی برای کل حوزه انتخابیه تأمین شود و به دلیل گسترش شبکه ارتباطی نماینده مزبور و عدم شفافیت اطلاعات، پیگیری آن حداقل در نظام اقتصادی ایران، بسیار دشوار است.

علاوه بر این، بر اساس نتایج به دست آمده، موضوع ظرفیت استان به لحاظ جذب سرمایه‌گذاری‌های عمرانی مؤلفه‌ای است که در این افزایش بودجه عمرانی مورد توجه نمایندگان قرار دارد. به عبارت بهتر، نمایندگان استان‌هایی که سهم بیشتری از ارزش افزوده کشور را به خود اختصاص می‌دهند و بنابراین، در رده‌های بالای صنعتی بودن قرار دارند، بیش از سایر نمایندگان از امکان و توانایی استفاده از ظرفیت‌های پارلمانی برخوردار هستند و نتیجه این امر، افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای و توسعه نامتوازن در سطح کشور است. مسأله‌ای که باید بیش از همه، مورد توجه نمایندگان استان‌های کم-برخوردار قرار گیرد.

منابع

- Alexander, D., Berry, C. R. & Howell, W. G. (2016). Distributive Politics and Legislator Ideology. *The Journal of Politics*, 78(1), 214–231. <https://doi.org/10.1086/683643>.
- Albouy, D. (2013). Partisan Representation in Congress and The Geographic Distribution of Federal Funds. *The Review of Economics and Statistics*, 95(1), 127-141. <https://www.jstor.org/stable/23355655>.
- Balla, S. J., Lawrence, E. D., Maltzman, F., & Sigelman, J. (2002). Partisanship, Blame Avoidance and the Distribution of Legislative Pork. *American Journal of Political Science*, 46(3), 515-525. <https://doi.org/10.2307/3088396>.
- Bernholz, P. (2012). From The Calculus of Consent to Extended Logrolling, Negative Externalities, and the Coase Theorem. *Public Choice*, 152(3), 265-271. <https://www.jstor.org/stable/23260552>
- Berry, C. R., & Fowler, A. (2016). Cardinals or Clerics? Congressional Committees and the Distribution of Pork. *Cardinals or Clerics? Congressional Committees and the Distribution of Pork*, 60(3), 692–708. <https://doi.org/10.1111/ajps.12192>
- Bickers, K. N., Evans, D., Stein, R., & Wrinkle, R. D. (2007). *The Electoral Effect of Credit Claiming for Pork Barrel Projects in Congress* in Annual Meeting of the American Political Science Association, Yale University.
- Bickers, K. N., & Stein, R. (1996). The Electoral Dynamics of the Federal Pork Barrel. *American Journal of Political Science*, 40(4), 1300-1326. <https://doi.org/10.2307/2111752>
- Clemens, A., Crespin, M., & Finocchiaro, C. J. (2015a). Earmarks and Subcommittee Government in the U.S. Congress. *American Politics Research*, 43(6), 1074-1106. <https://doi.org/10.1177/1532673x15576952>

- Clemens, A., Crespin, M., & Finocchiaro, C. J. (2015b). The Political Geography of Distributive Politics. *Legislative Studies Quarterly*, 40(1), 111-136. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/lsq.12067>.
- Colmenares, N. J. (2017). Political Corruption in Philippine Elections: Money Politics Through the Pork Barrel System. *Australian Journal of Asian Law*, 18(2), 101-117. <https://ssrn.com/abstract=3144932>.
- Cox, G. W., & McCubbins, M. D. (1993). *Legislative Leviathan: Party Government in the House*. University of California Press.
- Cox, G. W., & McCubbins, M. D. (2005). *Setting the Agenda: Responsible Party Government in the U.S. House of Representatives*. Cambridge University Press .
- Crespin, M. H., & Finocchiaro, C. J. (2008). Distributive and Partisan Politics in the U.S. Senate: An Exploration of Earmarks, 229-251. In N. W. Monroe, J. M. Roberts, and D. W. Rohde (Eds). *Why Not Parties? Party Effects in the United States Senate*. Chicago: University of Chicago Press.
- Curto-Graua, M., & Zudenkova, G. (2018). Party Discipline and Government Spending: Theory and Evidence. *Public Economics*, 164, 139-152. <https://ssrn.com/abstract=2874868>
- DeBaker, J. (2011). The Price of Pork: The Seniority Trap in the U.S. House. *Journal of Public Economics*, 95, 63-78. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2010.09.007>.
- Dinparasti Saleh, F. (2017). Analyzing Parliament's Function in Performance of Government Policies. *States Studies*, 2(8), 1-58.
- Evans, D. (2004). *Greasing the Wheels: Using Pork Barrel Projects to Build Majority Coalitions in Congress*. Cambridge University Press. <https://doi.org/https://doi.org/10.1002/j.1538-165X.2005.tb01371.x>.
- Evans, D. (2011). Pork Barrel Politics. In E. Schickler, F. E. Lee, & G. C. Edwards III (Eds.), *The Oxford Handbook of the American Congress* (pp. 315-339). Oxford University Press. <https://doi.org/https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199559947.003.0014>
- Farina, F. (2005). Constitutional Economics I. In J. G. Backhaus (Ed.), *The Elgar Companion to Law and Economics*. Edward Elgar.
- Fourinaies, A., & Hall, A. B. (2017). How Do Interest Groups Seek Access to Committees? *American Journal of Political Science*, 62(1), 132-147. <https://doi.org/10.1111/ajps.12323>.
- Green, S. (2022). Identifying Potential Pork-Barrel Legislation Using Machine Learning: A Preliminary Analysis. . *The Dartmouth Undergraduate Journal of Politics, Economics, and World Affairs*, 1(4), 133-143.
- Hammond, B., & Rosenstiel, L. (2020). Measuring the Influence of Political Actors on the Federal Budget. *American Political Science Review*, 114(2), 603-608 . <https://doi.org/https://doi.org/10.1017/S0003055419000881>.
- Kennedy, S. (2015). *All About Pork: The History, Abuse, and Future of Earmarks*. <https://www.cagw.org/sites/default/files/pdf/2021PigBook.pdf>.
- Kerevel, Y. P. (2015). Pork-Barreling without Reelection? Evidence from the Mexican Congress. *Legislative Studies Quarterly*, 40(1), 137-166. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/lsq.12068>
- Klingensmith, J. Z. (2019). Political Entrepreneurs and Pork Barrel Spending. *Economies*, 7(16), 1-17. <https://doi.org/https://doi.org/10.3390/economies7010016>

- Krehbiel, K. (1990). Are Congressional Committees Composed of Preference Outliers? *American Political Science Review*, 84(1), 149-163. <https://doi.org/https://doi.org/10.2307/1963634>
- Knight, B. (2005). Estimating the Value of Proposal Power. *American Economic Review*, 95(5), 1639-1659. <https://doi.org/10.1257/000282805775014290>.
- Krehbiel, K. (1990). Are Congressional Committees Composed of Preference Outliers? *American Political Science Review*, 84(1), 149-163. <https://doi.org/https://doi.org/10.2307/1963634>.
- Krehbiel, K. (1992). *Information and Legislative Organization*. University of Michigan Press .
- Lazarus, J. (2009). Party, Electoral Vulnerability and Earmarks in the U.S. House of Representatives. *Journal of Politics*, 71, 1050-1061. <https://doi.org/https://doi.org/10.1017/S0022381609090882>
- Lazarus, J. & Steigerwalt, A. (2009). Different Houses: The Distribution of Earmarks in the U.S. House and Senate. *Legislative Studies Quarterly*, 34(3), 347-398. <https://www.jstor.org/stable/20680246>.
- Lynch, M. (2020). Lifting the Earmark Moratorium: Frequently Asked Questions. *Congressional Research Service*. <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R45429>.
- Mayhew, D. R. (1974). *Congress: The Electoral Connection*. New Haven: Yale University Press.
- Mueller, D. C. (2019). Public Choice: Early Contributions. In R. D. Congleton, B. Grofman, & S. Voigt (Eds.), *The Oxford Handbook of Public Choice* (Vol. 1th, pp. 42-58). Oxford University Press .
- Niskanen, W. A. (1971). *Bureaucracy and Representative Government*. Chicago: Aldine-Atherton Press.
- Ostrom, E. (2007). Challenges and Growth: the Development of the Interdisciplinary field of Institutional Analysis. *Journal of Institutional Economics*, 3(3), 239-264. <https://doi.org/10.1017/S1744137407000719>.
- Persson, T., & Tabellini, G. (2000). *Political Economics, Explaining Economic Policy*. The MIT Press .
- Riker, W. H. (1962). *The Theory of Political Coalitions*. Yale University Press .
- Shaw, J. (2005). *Public Choice Theory*. <http://www.econlib.org/library/enc1/publicchoicetheory.html>.
- Shepsle, K. A., & Weingast, B. R. (1981a). Structure-Induced Equilibrium and Legislative Choice. *Public Choice*, 37(3), 503-519. <https://www.jstor.org/stable/30023510>
- Shepsle, K. A., & Weingast, B. R. (1981b). Political Preferences for the Pork Barrel: A Generalization. *American Journal of Political Science*, 25(1), 96-111 . <https://doi.org/10.2307/2110914>
- Stein, R. M., & Bickers, K. N. (1994). Congressional Elections and the Pork Barrel. *Journal of Politics*, 56(2), 377-399. <https://doi.org/https://doi.org/10.2307/2132144>
- Tullock, G. (2008). Public Choice. In S. N. Durlauf & L. E. Blume (Eds.), *The New Palgrave Dictionary of Economics* (pp. 11233-11241). Palgrave Macmillan Press .
- Ulubasoglu, M. A. & Yaraşır-Tülümce, S. (2019). Pork and Turkey: Distributive Politics in the Allocation of Public Investments into Turkish Electoral Districts 1987–2004. *MPRA Paper 96842*, University Library of Munich, Germany.

Weingast, B. R., & Marshall, W. J. (1988). The Industrial Organization of Congress; Or, Why Legislatures, Like Firms, are Not Organized as Markets. *Political Economy*, 96(1), 132-163.

<https://www.jstor.org/stable/1830714>

Weingast, B. R., Shepsle, K., & Johnsen, C. (1981). The Political Economy of Benefits and Costs: A Neoclassical Approach to Distributive Politics. *Political Economy*, 89, 642-664.

<https://www.jstor.org/stable/1833029>

اورکی کوهشور، م. و مایلی، م. (۱۳۹۶). تحلیل اثر انتخاباتی در عملکرد و جهت‌گیری نمایندگان مجلس شورای اسلامی. پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۴۸، ۲۰۳-۲۳۴.

امیری، حسین و صمدیان، فرزانه (۱۳۹۶). تأثیر ادوار سیاسی بر طرح‌های عمرانی: مطالعه موردی استان‌های ایران. تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۳۰، ۷-۴۲.

بوکانان، ج. و تالوک، گ. (۱۳۹۴). محاسبه رضایت: مبانی منطقی دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی (ترجمه غ. ر. آزاد (ارمکی) و ا. آزاد (ارمکی)). نشر نی.

پارسونز، و. (۱۳۹۲). مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها (ترجمه ح. م. محمدی، جلد اول). انتشارات پژوهش‌گده مطالعات راهبردی.

توسلی رکن آبادی، م. و شعبان شمیرانی، ع. (۱۳۹۲). نقش نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در چگونگی ایفای مسئولیت نمایندگان مجلس هفتم. جستارهای سیاسی معاصر، ۴(۴)، ۷۵-۱۰۴.

حسین‌پور، د؛ شریف‌زاده، ف؛ نوری، ر. و کریمیان، ا. (۱۳۹۸). ارزیابی خط‌مشی‌های اقتصادی مصوب مجلس شورای اسلامی با استفاده از نظریه داده بنیاد. مدیریت سازمان‌های دولتی، ۲(۷)، ۱۳۵-۱۴۸.

درازن، آ. (۱۳۹۰). اقتصاد سیاسی اقتصاد کلان (ترجمه ج. خیرخواهان). مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی. دین‌پرستی صالح، ف. (۱۳۹۵). تحلیل کنش نمایندگان مجلس شورای اسلامی از منظر سیاست‌های عمومی دولت. دولت پژوهی، ۲(۸)، ۱-۵۸.

قاسمی، م. (۱۳۸۱). رییس‌جمهور و چالشی به نام بودجه ریزی در ایران. مجلس و پژوهش، ۴۶، ۹۱-۱۱۰.

قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۶، مواد ۷ و ۱۲۱.

قانون برنامه و بودجه کشور، مصوب ۱۳۵۱.

قوانین بودجه کل کشور مربوط به سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۰.

قوانین بودجه کل کشور مربوط به سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۹. پیوست شماره یک: اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای.

لویح بودجه کل کشور مربوط به سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۰.

لویح بودجه کل کشور مربوط به سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۹. پیوست شماره یک: اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای.

مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۱). نمایندگان مجلس.

مرکز آمار ایران

ملک‌الساداتی، س. (۱۳۹۲). نهادهای انتخاباتی و مشکل منبع مشاع در بودجه ریزی عمرانی کشور، رساله دکتری، گروه علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.

جدول الف. نمونه فرم پرسش‌نامه

ب	شدت اهمیت نسبی								جایگاه پارلمانی
	اکیداً بیشتر	بسیار بیشتر	بیشتر	اندکی بیشتر	یکسان	اندکی بیشتر	بیشتر	بسیار بیشتر	اکیداً بیشتر
	۹	۷	۵	۳	۱	۳	۵	۷	۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ب. ماتریس مقایسه‌های زوجی و وزن اهداف

مقایسه‌های زوجی

اهداف	عضو هیأت رییسه	عضو کمیسیون تلفیق (نماینده سایر کمیسیونها)	رئیس کمیسیون تخصصی	عضو کمیسیون تلفیق (نماینده برنامه و بودجه)	وزن اهداف
عضو هیأت رییسه	۱	۲/۰۸۹۳۵	۰/۷۳۶۲۶	۲/۶۵۲۴	۰/۲۹۹
عضو کمیسیون تلفیق (نماینده برنامه و بودجه)		۲/۷۱۵۵۹	۱/۰۵۹۰۲	۱	۰/۲۷۸
رئیس کمیسیون تخصصی		۲/۳۵۷۷۳	۱		۰/۲۲۹
عضو کمیسیون تلفیق (نماینده سایر)		۱			۰/۱۲۴
عضو کمیسیون برنامه و بودجه					۰/۰۷۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق